

آن از انطباق خلق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می گردد.

آماج نهایی حزب، استقرار نظام سوسیالیستی و تکامل شکوفان آن، یعنی استقرار چنان نظام اجتماعی است که در آن به بهره کشی فرد از فرد پایان داده شود، آزادی و دموکراسی تامین گردد و زمینه شکوفایی شخصیت توده های زحمتکش فراهم آید. تنها در چنین جامعه ای استعدادها بر شرایطی برابر حقوق در راستای ارتقاء رفاه فرهنگ و مناسبات عمیقاً انسانی امکان رشد آزاد و همه جانبه خواهند داشت. تجربه جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهان درستی اصول این نظام عادلانه را عملاً به ثبوت رسانده است.

طبقه کارگر، طبقه پیگیر انقلابی دوران ما و مهارز سرسخت علیه نظام بهره کشی و در راه ایجاد جامعه نوین است. رویدادهای کشور ما سال های اخیر نظریه مارکسیستی - لنینیستی افزایش مستمر نقش طبقه کارگر را در جامعه نوین ثابت کرد. طبقه کارگر، نیروی پیشروی مبارزه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک علیه سرمایه داری است.

برخاسته از این واقعیت، حزب توده ایران در راه رشد آگاهی سیاسی و بالمآل سوسیالیستی توده های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر و آماده ساختن این طبقه تا پایان انقلابی، برای انجام رسالت تاریخی خویش، مبارزه می کند و معتقد است که آگاهی طبقاتی فقط از طریق شناخت تمام جوانب زندگی طبقات و قشرهای موجود جامعه و نیز شناخت مناسبات میان آنان تامین می گردد.

حزب توده ایران سازمان پیگیرترین میهن پرستان کشور است. میهن پرستی از دیدگاه حزب ما، خواست سعادت مردم، علاقه پرشور به رشد و پویایی فرهنگ ملی و سرنوشت حال و آینده خلق های ایران است. حزب توده ایران مدافع پیگیر و سرسخت استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی کشور و منافع واقعی توده های زحمتکش و دارای پیوندهای عمیق خلقی است.

حزب توده ایران بنانه ماهیت طبقاتی و جهان بینی و خصلت میهن دوستانه خود به اصل انترناسیونالیسم پرولتری پایبند است و اعتقاد دارد که میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری با یکدیگر پیوند ارگانیک دارند. ایجاد جامعه سوسیالیستی در کشور ما مهمترین وظیفه ملی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران است.

حزب توده ایران بر این باور است که در روند جنبش انقلابی، عامل داخلی یعنی ترکیب و آرایش نیروها در داخل اهمیت درجه اول دارد. حزب ما روی این عامل تکیه می کند و در عین حال برای ترکیب و تناسب نیروها در صحنه بین المللی نیز اهمیت زیادی قائل است و توجه به این عامل و محاسبه آن را در مبارزه خود امری ضرور و اجتناب ناپذیر می شمارد.

خصلت و مضمون اساسی دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم و مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی - سیاسی جهانی است. دوران ما، دوران انقلاب های سوسیالیستی و آزادی بخش و تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم، دوران مبارزه نیروهای عمده محرکه پیشرفت اجتماعی، یعنی سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری و کمونیستی، خلق های کشورهای آزاد شده و نهضت های دموکراتیک توده ای علیه امپریالیسم و در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی و صلح است. بر پایه این واقعیت، حزب توده ایران مبارزه خلق های ایران در راه آزادی، استقلال و ترقی اجتماعی را از مبارزه سایر خلق های جهان در این راستا جدا نمی داند. برعکس آن را حلقه ای از یک زنجیر و جزئی از یک کل واحد تلقی می کند.

حزب توده ایران که عضو وفادار خانواده بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی جهان است، در راه حفظ وحدت و تحکیم این جنبش مبارزه می کند و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم را که راهگشای حل صحیح مجموعه مسائل بشریت و دگرگونی های بنیادین است، وظیفه خود می شمارد.

حزب توده ایران در آئینه تحولات جهانی چنددهه اخیر، ویژگی های اصلی مرحله کنونی روند انقلاب جهانی را این گونه می بیند که تناسب نیروها در عرصه جهانی، به سود خلق ها، که در راه پیشرفت اجتماعی دموکراسی، آزادی ملی و صلح مبارزه می کنند، تغییر یافته است. جامعه کشورهای سوسیالیستی به چنان نیروی عظیمی تبدیل گردیده که بدون شرکت آن حل هیچ یک از مسائل جهانی امکان پذیر نیست.



شماره ۸۴ دوره هشتم سال دوم
پنجشنبه ۱۹ دی ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

طرح برنامه حزب توده ایران

اندیشه های مارکسیستی در جنبش آزادی بخش ملی میهن ما، از نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. پنجاه سال تجربه انقلابی واز آن جمله ده سال فعالیت خلق ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی گروه های سوسیال دموکرات ایران ("اجتماعیون - عامیون") و جمعیت "همت" در میان کارگران و زحمتکشان ایران، زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را فراهم ساخت و سرانجام کنگره حزب سوسیال دموکرات کارگری ایرانیان - "عدالت" که در آخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۳۹۹ در انزلی برگزار شد، موجودیت حزب کمونیست ایران را رسماً اعلام کرد.

حزب کمونیست ایران در اشاعه افکار مارکسیستی - لنینیستی، تربیت کادرهای انقلابی و هدایت مبارزات عملی طبقه کارگر جوان ایران، رشد جنبش آزادی بخش ملی و بسط افکار و اندیشه های دموکراتیک تاثیر نیرومندی بر جای نهاد و صفحات درخشانی را در تاریخ معاصر ما کشود.

در سالهای جنگ دوم جهانی و پس از آن، جنبش آزادی بخش ملی و دموکراتیک در میهن ما دامنه گسترده ای یافت.

تشکیل حزب توده ایران، به مثابه ادامه دهنده بلاواسطه راه حزب کمونیست ایران در مهرماه ۱۳۲۰، بدون شک یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی - سیاسی تاریخ دوران معاصر کشور ما است. حزب توده ایران، نه تنها حامل ایدئولوژی و جهان بینی علمی مارکسیستی - لنینیستی و سنت های گرانهای مبارزاتی حزب کمونیست ایران است، بلکه گروهی از کادرهای حزب کمونیست ایران با شرکت فعال در پایه گذاری و سازماندهی حزب توده ایران، تداوم مستمر فعالیت انقلابی کمونیست های ایران را تامین کردند.

در سال های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ که جنبش انقلابی در آذربایجان اوج گرفته بود، حزب دموکرات آذربایجان تشکیل شد و در رویارویی با ارتجاع و امپریالیسم و در راه آزادی و آرمان خلق به پیکار قهرمانانه ای دست زد.

در سال ۱۳۲۹ حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان که دارای وحدت ایدئولوژیک - سیاسی بودند، با تشکیل "کنفرانس وحدت" دارای رهبری و سازمان واحدی شدند.

در شرایط کنونی نیز حزب توده ایران وحدت سازمانی همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را به خاطر رشد و گسترش همه جانبه جنبش کارگری و کمونیستی کشور ضرور می داند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند.

جهان بینی و مشی سیاسی

جهان بینی حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، مارکسیسم - لنینیسم است و هدف های دور و نزدیک و مشی سیاسی و سازمانی

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مشخصات عمده ایران و جهان

الف. جهان

در دوران کنونی، بین جامعه کشورهای سوسیالیستی، نیروهای ترقی خواه و صلح دوست از یک سو و کشورهای امپریالیستی از سوی دیگر، تضادهای جدی وجود دارد. در این میان، حفظ و تحکیم پایه های صلح و امنیت جهانی، پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی به مثابه سرچشمه عمده تهدید نظامی یعنی تدارک مادی جنگ، گسترش دامنه روند تشنج زدایی و خشکاندن ریشه خطر جنگ هسته‌ای که موجودیت انسان را تهدید می کند، از عاجل ترین، حادثترین و مهمترین مسائل جامعه انسانی به حساب می آید.

اتحادشوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی همه قدرت و امکانات اقتصادی، سیاسی، فنی و فرهنگی و مجموعه تجربه های پرارزش خویش را بگونه ای بی دریغ در راه حفظ و تحکیم صلح و پیشبرد امر سوسیالیسم و پیروزی جنبش های آزادیبخش ملی بکار گرفته اند. مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم جدایی ناپذیر است.

جامعه کشورهای سوسیالیستی، علیرغم دشواریها و موانعی که از جانب امپریالیسم در سر راه تکامل آن پدید آمده است و می آید، وظایف خود را در زمینه پیشرفت و توسعه اقتصادی، بهبود رفاه اجتماعی و ارتقاء سطح علم و فرهنگ با کامیابی اجرا می کند و به عنوان نیروی تعیین کننده راستای رشد و تکامل جوامع بشری و نیروی عمده و قدرت قاطع نبرد ضد امپریالیستی، روزه روز شکوفاتر می شود. توازن نظامی- استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بزرگترین دستاورد

تاریخی سوسیالیسم به شمار می رود. سراسر تاریخ سرمایه داری عهات است از تاریخ تعمیق تضاد اصلی آن: تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل تصاحب خصوصی محصول تولید سرمایه داری.

بحران عمومی سرمایه داری در همه زمینه های ایدئولوژیک، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تشدید شده و این روند همپای ژرفش تضادهای درونی سرمایه داری، تغییر هر چه بیشتر تناسب قوا به سود نیروهای شرکت کننده در انقلاب جهانی و بهبود شاخص های مادی و معنوی زندگی خلق ها در جامعه کشورهای سوسیالیستی، شتاب بیشتری خواهد گرفت. این بحران که سالهاست جهان سرمایه داری را فرا گرفته، به ویژه موجب رشد و گسترش بیکاری توده ای به مثابه یک معضل غیرقابل حل و تورم گسیخته و تشدید فقر معروف به " فقرنو" در جهان غرب شده است. حادث شدن پدیده های بحرانی زائیده نظام گنبدیده سرمایه داری نشانگر آنست که این نظام قادر به حل مسائل و معضلات پهنج اجتماعی و رهایی از ورطه این بحران نیست.

همه عوامل یاد شده موجب تشدید بازم بیشتر مبارزه طبقاتی و گسترش دامنه جنبش اعتصابی در کشورهای سرمایه داری شده است.

امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم تجا و زگر آمریکا، سیاست مسابقه تسلیحاتی هسته ای و کشاندن دامنه آن به فضای کیهانی را در پیش گرفته است. خصلت تجا و زکارانه امپریالیسم شدت یافته است و امپریالیسم با تمام قوا می کوشد تا مواضع سوسیالیسم را در جهان تضعیف کند و جنبش های آزادیبخش ملی را از هر پیشرفتی بازدارد.

امپریالیسم از رژیم های فاشیستی، از نژادپرستی و از تروریسم بین المللی در سراسر جهان حمایت می کند. بویژه امپریالیسم آمریکا به خود حق می دهد که برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، از جرعه زور و نیروهای نظامی بهره بگیرد.

توطئه های امپریالیسم و متحدان واپسگرای محلی آن در منطقه خاور میانه نزدیک، آمریکای لاتین و افریقای جنوبی گواه بر این واقعیت است. محاصره اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک، تهدیدهای نظامی، کارزار جنگ روانی- تبلیغاتی از جمله ابزارها و شیوه های رایج امپریالیسم در رویاری با کشورهای رشدیافته است.

امپریالیسم مسئول ایجاد ورطه عمیق میان سطح رشد اقتصادی کشورهای صنعتی سرمایه داری و اکثر دولت های نواستقلال است. اما، علیرغم توطئه های امپریالیسم، پایداری خلق ها اوج تازه ای می گیرد. سیاست نواستعماری امپریالیسم در آسیا و افریقا و آمریکای لاتین دچار

بحران ژرف شده و کشورهای نواستقلال نبرد پردامنه ای را برای دستیابی به استقلال اقتصادی آغاز کرده اند.

کمونیست ها در سراسر جهان برای آزادی، استقلال ملی و آینده سوسیالیستی خلق خود بیکار می کنند و به مثابه رزمندگان بیکسیر جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی پیشاپیش توده های عظیم زحمتکشان قرار می گیرند.

کمونیسم ستیزی که حربه عمده امپریالیسم و ارتجاع برای بی اعتبار ساختن جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و جامعه کشورهای سوسیالیستی از راه تحریف و سفسطه و افترا پشامی رود، در نظر توده های مردم بیش از پیش برایی خود را از دست می دهد و رسوا، بی اعتبار و مطرود می شود.

ب. ایران

انقلاب بهمن ۱۳۵۷، انقلابی بود خلقی، ضد استبدادی، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی که به درستی مهمترین رویداد سیاسی تاریخ معاصر کشور ما ارزیابی می شود. مهمترین خواسته های توده های میلیونی کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران زحمتکش میهن ما که بار سنگین انقلاب را به دوش کشیده و نظام سلطنتی را درهم شکستند در آماج های زیرین خلاصه می شد:

۱- سرنگون کردن رژیم سلطنتی و برچیدن پسا استبداد، در هر شکل و هر غنوان؛

۲- پایان دادن به سلطه امپریالیسم در تمام عرصه ها و تامین کامل استقلال و حاکمیت ملی کشور؛

۳- اجرای اصلاحات بنیادی دمکراتیک در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به سود نیروهای شرکت کننده در انقلاب، به ویژه کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان.

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به هدف سیاسی خود در زمینه سرنگون کردن رژیم شاه دست یافت، ولی نتوانست به در گونی های محسوس اجتماعی فراروید.

تامین استقلال اقتصادی، اصلاح بنیادی دستگاه دولتی، تامین حقوق و آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی، با وجود اتخاذ تدابیری در مرحله نخست پس از پیروزی انقلاب، جامعه عمل نپوشید.

سیاستی که اکنون رژیم جمهوری اسلامی دنبال می کند موجب تشدید تضادهای سیاسی- اجتماعی جامعه ما شده است و کشور را هر چه بیشتر در یک بحران عمیق ساختاری فرو می برد.

بحران اقتصادی، تعمیق هر چه پیشروا بستگی صنعتی به انحصارهای کشورهای سرمایه داری، کاهش تولیدات کشاورزی، تورم فزاینده، بیکاری روزافزون، ژرفش مستمر شکاف موجود میان فقر و ثروت، زبان های چهران ناپذیر ناشی از ادامه جنگ ایران و عراق، گسترش رشوه خواری و حیف و میل اموال عمومی و فساد و پاندهازی از جمله پیامدهای ویرانگر سیاست رژیم هستند.

مشخصات عمده رژیم حاکم بر ایران عبارتند از: استبداد مذهبی به شکل تمرکز اختیارات قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه در دست یک فرد بر پایه اصل " ولایت فقیه"، کنترل پلیسی جامعه، سرکوب آزادی ها و حقوق دمکراتیک مردم، بیکرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان، اعمال ستم ملی بر خلق های ایران، حمایت از منافع کلان- سرمایه داران و بزرگ مالکان به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران، نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان " رحمت الهی" دخالت در امور داخلی دیگر کشورها بهانه " صدور انقلاب اسلامی"، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی.

تحول در آرایش طبقاتی جامعه

انقلاب بهمن ۵۷ تغییرات محسوس در ترکیب و آرایش طبقاتی جامعه ایران پدید آورده است. پس از انقلاب حاکمیت به گروه جدیدی متشکل از نمایندگان بورژوازی تجاری، لایه هایی از بورژوازی صنعتی، بخشی از زمینداران و خرده بورژوازی انتقال یافت.

پایگاه اجتماعی هیأت حاکمه در حال حاضر گرچه یک دست و همگون نیست، ولی پیانگران منافع کلان سرمایه داران بازار و بزرگ مالکان به

های خریش را به دهقانان مرفه و زمینداران بزرگ فروخته و به توده خوش- نشینان روستاها و حاشیه نشینان شهرها پیوسته‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.

بهره برداری از زمین روستاها بیش از پیش به شیوه تولید سرمایه‌داری انجام می‌شود. در عین حال، در سالهای اخیر، از جمله با احیای موقوفه- خواری و گسترش مزارعه و سهم کاری و ازهم پاشیده شدن واحدهای بزرگ کشاورزی و افت سطح فنی کاشت و داشت و برداشت و دست اندازی به برخی از دستاوردهای مبارزات دهقانی، پس مانده‌های نظام ارباب- رعیتی در برخی از نقاط کشور نیز تقویت شده است. هرچند با ادامه قشر بندی دردناک طبقاتی در روستاها، جامعه روستایی ایران با سرعتی به مراتب بیش از گذشته دوقطبی می‌شود و تضاد میان دهقانان بی زمین و کم زمین یا زمینداران بزرگ شدت می‌گیرد. عشایر که بخش چشمگیری از اهالی کشور را تشکیل می‌دهند، هنوز به صورت چادر نشینی و کوچ نشینی، در چارچوب مناسبات واپس مانده ایلی- عشیره‌ای پسر می‌پرند و به دامپروری می‌پردازند. پس از انقلاب نه تنها زندگی عشایر دستخوش هیچ بهبودی نگردید، بلکه آنها پیوسته زیر فشار نهادهای سرکوبگر رژیم قرار داشته‌اند. اکثریت افراد عشایر، توده- های زحمتکشی هستند، که همچنان همانند گذشته یوغ بهره کشی و ستم خان‌ها و شیوخ را بر گردن دارند. از این رو انگیزه‌های عینی نیرومندی برای پیوستن آنها به صفوف مبارزه سایر زحمتکشان وجود دارد.

خرده بورژوازی شهری و لایه‌های بینابینی

خرده بورژوازی شهری و لایه‌های بینابینی در انقلاب بهمین نقش شایان توجهی ایفاء کردند. سهم خرده بورژوازی شهری در تولید و توزیع و ارائه خدمات افزایش یافت. کشاورزی که در نخستین سال‌های پس از انقلاب در نتیجه رفع فشار دستکاه اداری و رونق نسبی تولید و توزیع خرده کالایی در وضع پیشه‌وران و کسبه، بوجود آمده بود، با تشدید بحران اقتصادی و تسلط تجار و سرمایه‌داران بزرگ بر صادرات غیرنفتی و همچنین بخش چشمگیری از واردات و توزیع کالا، از بین رفت. در نتیجه تضاد میان توده کسبه و پیشه‌وران با تجار و سرمایه‌داران بزرگی که در راس اتحادیه‌های اصناف قرار گرفته و اعتبارات دولتی و توزیع کالاها و مواد خام را در اختیار گرفته‌اند، تشدید شده است. در آینده، هرچند با ادامه بازسازی نظام سرمایه‌داری واپسته، خرده بورژوازی شهری بیش از پیش به ریبورویی یا رژیم کشیده خواهد شد. اکثریت کسبه و پیشه‌وران ایران که از لایه‌های میانی و پایینی جامعه هستند، به اتکال تجربه خود با احیای نظام سرمایه‌داری انحصاری به شکل گذشته آن مخالفت دارند.

با این وجود نباید از نظر دور داشت که خرده بورژوازی خصلت دوگانه دارد و اگرچه لایه‌هایی از آنها برخاسته از ماهیت طبقاتی و وضعیت مشخص اجتماعی خود استعداد و توانایی آن را دارند که مواضع سیاسی ترقی خواهانه اتخاذ کنند، ولی در همان حال بخش دیگری همچنان در موضع ارتجاعی باقی خواهد ماند. لایه‌هایی از تهیدستان شهرها، دربرگیرنده قشرهای زحمتکش خرده بورژوایی، دهقانانی که در جستجوی کار به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ کرده‌اند، نیمه پرولترها و گروههای اجتماعی فاقد هویت طبقاتی (لومین- پرولتاریا)، در انقلاب بهمین تحرک و فعالیت گسترده‌ای از خود نشان دادند.

وضع معیشت نیمه پرولتاریا با وجود امیدهایی که به روحانیون حاکم پسته بود، رو به وخامت می‌رود. جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی در میان این گروه از زحمتکشان بتدریج اوج می‌گیرد. این لایه‌ها می‌توانند به سوی طبقه کارگر چلب شوند.

لومین پرولتاریا هیچگاه موضع ثابت و جایگاه پایدار اجتماعی نداشته است. این گروه که در جنبش انقلابی نیز شرکت داشت، اکنون به طور عمده در خدمت رژیم جمهوری اسلامی است.

اکثریت روشنفکران ایران - نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، استادان دانشگاه، دبیران و آموزگاران، مهندسان و حقوقدانان و غیره که با زحمتکشان جامعه پیوند دارند، دارای گرایش‌های ملی، دمکراتیک و ترقی خواهانه هستند. در دوران رژیم شاه، اکثریت آنان از نفوذ امپریالیسم در کشور رنج می‌بردند و در معرض فشارهای گوناگون

تدریج با دردست گرفتن اهرم‌های اصلی قدرت در نهادهای، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگون حکومتی نقش و وزن عمده‌ای را در تعیین و ست‌دهی سیاست داخلی و خارجی به عهده می‌گیرند.

طبقه کارگر

رشد مناسبات تولید سرمایه‌داری در شهرها و روستاهای ایران در دهه‌های چهل و پنجاه، وزن مخصوص طبقه کارگر را، خواه از نظر کمی و خواه از نظر کیفی، در سطح جامعه بالا برد. تمرکز کارگران صنعتی در موسسات و مجتمع‌های تولیدی بزرگ، توان مبارزه، تشکل و امکان اقدام و اعتراض متحد و هماهنگ آنان را افزایش داد. نفتگران که شریان اصلی اقتصاد کشور را در کف داشتند، در جریان اوج گیری جنبش انقلابی دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که به سرعت به اعتصاب عمومی طبقه کارگر ایران فراوانید، ضرر به اصلی و درهم شکننده را بر پیکر نظام استبداد سلطنتی وارد آورد. نقش تعیین کننده کارگران در پیروزی انقلاب بهمین نشان داد که طبقه کارگر در صورت تشکل قادر است به عامل موثر و مهمی در زندگی اجتماعی- اقتصادی ایران تبدیل گردد.

در نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب فشار طبقه کارگر در پیشاپیش دیگر زحمتکشان، برای عملی شدن برخی اصلاحات و دگرگونی‌ها در جهت تحقق آماج‌های انقلاب ملی- دمکراتیک تاثیر چشمگیری داشت.

هرچند با ژرف شدن بحران اجتماعی- اقتصادی و سیاسی در کشور، آگاهی کارگران نسبت به هدفها و خواستهای طبقاتی میات حاکمه، پناهر تجربه عینی خود، افزایش می‌یابد. جنبش اعتصابی سال‌های اخیر و طرح خواست‌های صنفی و سیاسی، نمونه‌های برجسته پرامدهای نوین در جنبش کارگری است. طبقه کارگر استوارترین نیروی ترقی خواه، پیگیرترین و انقلابی‌ترین بیکارگر راه آزادی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و صلح و سرسخت ترین دشمن امپریالیسم است. از این رو، طبقه کارگر ایران هم می‌تواند چه در راه تأمین آزادی‌های دمکراتیک و چه در راه مبارزه استقلال طلبانه و چه در راه ایجاد تحولات بنیادی در زندگی اجتماعی - اقتصادی نقش مهمی ایفاء کند. ولی عدم تکامل روند تقسیم بندی طبقاتی سرمایه‌داری و عدم رشد تضاد طبقاتی برخاسته از آن، یعنی تبدیل نشدن تضاد کار و سرمایه به تضاد عمده بالفعل در جامعه از سویی، و پراکندگی کارگران و تاثیر تهلیفات بورژوایی و خرده بورژوایی از سوی دیگر، موانع اساسی بهره گیری از نیروی طبقه کارگر در جهت اعمال رهبری بلاواسطه این طبقه در شرایط کنونی است.

دهقانان

اکثریت قاطع دهقانان ایران، بر پایه منافع طبقاتی خویش دارای تمایلات ضد امپریالیستی و دمکراتیک هستند و در میان آنها دهقانان بی- زمین و کم زمین نزدیک ترین و عمده ترین متحدان طبقه کارگر در راه انجام تحولات بنیادی، از جمله حل دمکراتیک مسأله ارضی در ایران هستند.

انقلاب بهمین نتوانست مسأله ارضی را حل کند و بدینسان یکی از حادترین، جدی ترین و مهمترین خواست‌های دهقانان بدون پاسخ ماند و جامعه روستایی ایران به صحنه مبارزه حاد طبقاتی تبدیل گردید. مبارزه‌ای که هیچگاه در طول تاریخ جنبش دهقانی کشور، چنین ژرفا و دامنه‌ای نداشته است. در این مبارزه طیف وسیع زحمتکشان روستایی بخاطر ایجاد دگرگونی در مناسبات واپس مانده حاکم بر روستا و الغاء نظام بزرگ مالکی شرکت دارند.

در جریان انقلاب بهمین، در بسیاری از نواحی کشور، دهقانان بی زمین و کم زمین به ابتکار خویش ارضی زمینداران بزرگ را تصرف کردند و به موازات آن فشار خود را به اشکال گوناگون برای انجام اصلاحات ارضی بنیادی ادامه دادند. اما، زمینداران بزرگ که از دیرباز پیوندهای نزدیکی با روحانیون داشتند، به کمک آنان نتوانستند اصلاحات ارضی را متوقف کنند و بدینحال آن‌ها پس گرفتن زمین‌ها از دهقانان علیرغم مقاومت همه جانبه آنان آغاز گردید.

در شرایط کنونی، بحران اقتصاد کشاورزی به ورشکستگی و فقر و تیره- روزی روز افزون دهقانان می‌انجامد با آزاد شدن خرید و فروش ارضی کشاورزی در سال‌های اخیر، بسیاری از دهقانان کم زمین و خرده مالک، زمین-

روند پرشتاب انزوای آنان را در پی خواهد داشت.

بخشی از اردوی ۱۸۰ هزار نفری روحانیون که بیرون از هرم حاکمیت جای دارند، از مواضع گوناگون، هم از مواضع مافوق ارتجاعی، هم از مواضع مترقی به مخالفت با رژیم "ولایت فقیه" می‌پردازند.

طبقه سرمایه‌دار

پس از پیروزی انقلاب، طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی) هم برخی دگرگونی‌های کمی و کیفی را از سر گذرانده است. سرمایه‌داران بزرگ وابسته که از نظر اقتصادی و سیاسی پایگاه عمده رژیم سرنگون شده را تشکیل می‌دادند، ضرباتی را متحمل شدند. این ضربات در برخی از رشته‌ها قویتر و در رشته‌های دیگر ضعیف‌تر بود. ولی با این وجود، کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی همچنان حضور خود را در پهنه اقتصاد کشور حفظ کردند. در روند انقلاب، سرمایه بزرگ تجاری کم و بیش دست نخورده باقی ماند. اکثریت سرمایه‌داران تجاری در شهرهای بزرگ، که دست اندرکار واردات و توزیع عمده کالا بودند و تسلط سرمایه‌داران بزرگ وابسته و همدستان خارجی آنها بر بازار داخلی ایران عرصه فعالیت آنها را تنگ‌تر کرده بود، از طریق پرداخت "وجه شرعی" و "سهم امام" با انقلاب همراه شدند. این بخش از بورژوازی که در واقع یکی از سرچشمه‌های عمده درآمد روحانیون بود، با بهره جویی از مناسبات سیاسی ریشه دار با سازمان‌های سیاسی - مذهبی به رهبری روحانیت و "حوزه‌های علمیه"، به ویژه در سالهای اخیر توانست پیش از دیگر قشرهای بورژوازی مواضع طبقاتی غارتگرانه خود را در کلیه عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حفظ کند و شالوده آنها را تحکیم و گسترش بخشد. پیدایش "میلیاردرها" و سرمایه‌داران نوظهور در کشور، جلوه‌ای از عملکرد سرمایه تجاری است. انباشت سرمایه بورژوازی از طریق احتکار و گرانفروشی و چپاول بی‌پندوبار توده‌های زحمتکش در سالهای بعد از انقلاب، در سراسر تاریخ زهد سرمایه‌داری در کشور ما بی سابقه است. در این میان، گروه بازاریان پیرو خمینی از امکان‌های ویژه‌ای برای ثروت اندوزی برخوردار شده‌اند. افزایش شتابان قدرت مالی و سیاسی بورژوازی تجاری و استوارتر شدن مواضع آن در حاکمیت، شرایط ضروری برای چرخش به راست و گرایش بسوی امپریالیسم و مآلا بازسازی مواضع سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم را در ایران فراهم آورد. پیوستن گروهی از روحانیون به بورژوازی تجاری از ویژگی‌های سالهای پس از انقلاب بهمن ۵۷ بشمار می‌رود. اینک، بویژه بورژوازی تجاری از ادامه جنگ و تشدید ترور و خفقان در کشور پیش از دیگر لایه‌های بورژوازی سود می‌برد و بنیه مالی و در نتیجه موقعیت سیاسی خود را هرچه بیشتر تقویت می‌کند. بورژوازی تجاری به همکار نزدیک انحصارهای امپریالیستی تبدیل شده است.

بورژوازی متوسط و کوچک صنعتی، یعنی آن بخش از سرمایه‌دارانی که با تولید داخلی سروکار دارند، از نظر کمی بخش چشمگیری از سرمایه‌داران ایران را تشکیل می‌دهند. تمایل دستیابی به منابع مالی و اعتباری که در دوران رژیم گذشته نصیب سرمایه‌داران بزرگ وابسته و انحصارهای امپریالیستی همدست آنها می‌شد، یکی از انگیزه‌های پیوستن این بخش از بورژوازی به انقلاب بود.

ادامه جنگ و اختصاص هرچه بیشتر درآمد نفت برای مصارف نظامی، اکثر سرمایه‌داران متوسط و کوچک صنعتی را با مشکلات فراوانی در زمینه تأمین مواد خام، قطعات یدکی، نیم ساخته و ماشین آلات روبرو ساخته است. این بخش از بورژوازی مخالف استبداد مذهبی است و گرچه گرایش به سوی سازش با امپریالیسم دارد، در مرحله مشخص کنونی تا اندازه‌ای از نقطه نظر منافع شخصی، خصلت کم و بیش ضد امپریالیستی خود را حفظ کرده است و بطور نسبی از موضع تأمین استقلال اقتصادی دفاع می‌کند. اما امپریالیسم از موضعگیری‌های ضد کمونیستی این قشر از بورژوازی و مخالفت آن با نیروهای انقلابی بهره برداری می‌کند. می‌توان گفت در زمینه کمونیسم ستیزی مواضع این بخش از بورژوازی و امپریالیسم تشابه دارد. در عین حال امپریالیسم برای تحکیم مواضع اقتصادی و سیاسی خودش و چپاول ثروت ملی، دامنه عملکرد بورژوازی ملی را محدودتر می‌کند. این مسئله موجب بروز تضاد در بین آنهاست.

بورژوازی ملی می‌تواند در اجرای مرحله معینی از برنامه ملی و

اقتصادی و اجتماعی، به ویژه سیاسی قرار داشتند و از اینرو به گونه‌ای پرشور و فعالانه در انقلاب بهمن شرکت جستند و نقش برجسته‌ای ایفا کردند. با تسلط استبداد مذهبی، امید روشنفکران به انجام یک رشته اصلاحات بنیادی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، جای خود را به ناخشنودی و مبارزه فعال با حکومت داده است. روشنفکران ایران به جز گروه کوچکی که به هیات حاکمه وابسته هستند، نمی‌توانند با رژیم علم ستیز، فرهنگ ستیز و خرافه پرست که با تاریخ و زبان و ادبیات و هنر ما دشمنی می‌ورزد و به میراث و به سنت‌های ملی و فرهنگی ما بگونه‌ای ویرانگرانه دست اندازی می‌کند و مردم را از ابتدایی‌ترین آزادی‌های دموکراتیک محروم کرده است، سرآشتی داشته باشند.

ضرورت‌های عینی مبارزه، لزوم و اهمیت اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را برای روشنفکران مترقی و میهن دوست محسوس‌تر می‌سازد. در این چارچوب، بخشی از روشنفکران در طیف نیروهای چپ و انقلابی جای گرفته و از جمله به پیروان سوسیالیسم علمی پیوسته‌اند و در راه هدف‌ها و آرمان‌های طبقه کارگر مبارزه می‌کنند. در این عرصه دانشجویان نقش فعالی دارند، گروهی از روشنفکران نیز در نتیجه عوامل گوناگون و از جمله پیوندهای طبقاتی با غارتگران اجتماعی دارای خصلت ضد کمونیستی هستند و به خدمتگزاران امپریالیسم و ارتجاع تبدیل شده‌اند. کارمندان بخش‌های دولتی و خصوصی و دیگر نهادها و بنیادهای نیمه دولتی که تعدادشان به بیش از یک و نیم میلیون

نفر می‌زند، نقش درخور توجهی در انقلاب داشتند. بدیهی است که کارمندان گروه نامحکونی راه‌ها و وابستگی‌های طبقاتی گوناگون، تشکیل می‌دهند.

در شرایط کنونی، وضع معیشتی کارمندان رده‌های پایین بر اثر کاهش درآمد واقعی و تخیم‌تر می‌شود. فشار روحانیون حاکم و نهاد‌های تقنینی عقاید، اختناق سیاسی، فساد و ارتش و پانده‌های در ادارات و عدم امکان ارتقاء شغلی بر اساس شایستگی، این قشر وسیع را هرچه بیشتر به مقاومت و مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.

این گروه اجتماعی دارای گرایش‌های ملی و دموکراتیک است و به علت تمرکز در ادارات دولتی، نهادها و بنیادها می‌تواند به گونه‌ای کم و بیش متشکل به صحنه مبارزه برضد هیات حاکمه کام گذارد. این گروه در مبارزه بر سر نظام اقتصادی نقش پراهمیتی ایفا می‌کند.

پس از انقلاب، در مقاطع گوناگون، دگرگونی‌های چشمگیری نیز در مجموعه نیروهای مسلح، در کادرفرمان و درجه‌داران ارتش، همچنین در نهاد‌های نوپنیداری همانند سپاه پاسداران و بسیج پدیدار شده است.

با وجود آنکه رژیم تلاش می‌ورزد این نهادها را به حربه سرکوب خلق تبدیل کند، ولی در میان افسران و درجه‌داران و پاسداران و بسیجی‌ها کم نیستند میهن پرستانی که از میان خلق برخاسته‌اند و با الهام از سنت‌های دیرینه انقلابی و دموکراتیک افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح ایران به سوی پایداری در برابر رژیم استبدادی قرون وسطایی و پیکار در راه آماج‌های ملی و دموکراتیک کشیده می‌شوند.

رویه‌رفته، روشنفکران، کارمندان و دانشجویان مترقی و میهن پرست و نیز بخش قابل توجهی از نیروهای مسلح در ایجاد یک تحول بنیادی در جامعه بخاطر دستیابی به آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و صلح‌ذینفع هستند و پیوند آنان با اکثریت زحمتکش جامعه استوارتر می‌گردد.

روحانیون

در میان روحانیون بحث‌ها به یک قشر اجتماعی تمایز طبقاتی شدیدی تکوین می‌یابد. پیوندهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی قشر فوقانی روحانیت با بورژوازی - بویژه بازاریان - و زمینداران بزرگ تقویت شده است. بسیاری از روحانیون در ارکان‌های قانونگذاری و قضایی و اجرایی به مثابه نمایندگان سیاسی تجار و زمینداران بزرگ عمل می‌کنند. توده کثیری از روحانیون نیز که مسئولان درجه دوم دستگاه‌های دولتی و نظامی و غیره را تشکیل می‌دهند، از آنجا که جز با تکیه بر فشار و سرکوب نمی‌توانند مقام خود را حفظ کنند، در زمینه تثبیت سلطه بورژوازی و بوروکراتیک و حفظ استبداد قرون وسطایی با قشر فوقانی روحانیت دارای منافع مشترک هستند. مجموعه این تحولات پایگاه اجتماعی روحانیون را محدود کرده و

کارگر و توده‌های زحمتکش به ضرورت نهایی نبرد قهرآمیز مسلحانه برای سرنگون کردن رژیم بکار می‌گیرد و در جهت آماده ساختن آنها برای قیام مسلحانه کام برمی‌دارد و در عین حال سازمان دادن مبارزه توده‌های مردم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک را برای افشای نیروهای ضدانقلاب به قصد بسیج زحمتکشان، وظیفه دانی خود می‌داند.

حزب توده ایران، کوشش جهت تشکیل جبهه متحد خلق از نیروهای معتقد به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح را از وظایف مهم خود می‌داند. حزب ما یقین دارد که اتحاد نیروهای ملی، دمکراتیک و ضدامپریالیستی در جبهه متحد خلق و تبدیل این جبهه به یک نیروی سیاسی فعال با برنامه مشترک ضامن پیروزی انقلاب خواهد بود. این جبهه به نیروی طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران مترقی و میهن دوست و دیگر لایه‌های ملی و دمکراتیک متکی است.

تاریخ معاصر کشور ما به روشنی بی‌سرنجامی و ناتوانی راه رشد سرمایه‌داری را برای چیره شدن بر واپس ماندگی تاریخی و حل معضلات عظیم اجتماعی تأیید کرده است. چنین دورنمایی برای زحمتکشان ایران قابل پذیرش نیست.

حزب ما با در نظر گرفتن شرایط مشخص تاریخی جامعه ایران اتخاذ سنگبندی سوسیالیستی را ضروری می‌داند. هدیهی است که در پی انقلاب ملی-دمکراتیک، حکومت ملی و دمکراتیک استقرار می‌یابد. ولی هر حکومت ملی و دمکراتیک بخودی خود در مسیر سنگبندی سوسیالیستی قرار نمی‌گیرد. سنگبندی سوسیالیستی آگاهانه و سازمان یافته، با در نظر گرفتن منافع توده‌های وسیع خلق و برخاسته از آرایش عینی طبقاتی در کشور، انتخاب می‌شود.

تغییر خصلت حاکمیت سیاسی به معنای پایان دادن به حاکمیت کلان-سرمایه‌داران، بزرگ مالکان و بورژوازی فاسد بوروکراتیک، ایجاد حکومت نوین دمکراتیک و انقلابی برای ایجاد تحول بنیادی به نفع توده‌های زحمتکش، از بین بردن سیادت سیاسی و نقش مخرب امپریالیسم در اقتصاد و مناسبات بین المللی، تنظیم و اداره دولتی و تعاونی اقتصاد، استقرار و گسترش همکاری همه جانبه با کشورهای سوسیالیستی، مبارزه علیه ایدئولوژی امپریالیستی، نواستعماری و ناسیونال-زفرمیستی مضمون عمده سنگبندی سوسیالیستی را تشکیل می‌دهند.

این تحولات دارای خصلت دمکراتیک هستند و بهمین علت حزب ما معتقد است در صورت رهبری پیگیر انقلابی می‌توان راه سنگبندی سوسیالیستی را در پیش گرفت. این رهبری در شرایط کشور ما می‌تواند توسط جبهه واحد احزاب و سازمانهای انقلابی، مترقی و ضدامپریالیستی تأمین گردد.

به نظر حزب توده ایران تنها رهبری طبقه کارگر است که تا پایان می‌تواند شرایط گذار به سوسیالیسم را تضمین کند. بنابراین حزب ما با تمام توان در راه تأمین رهبری طبقه کارگر خواهد کوشید.

در شرایط کنونی جامعه ما، طبقه کارگر ایران فقط در اتحاد با سایر نیروها و قشرهای ملی، دمکراتیک و مترقی می‌تواند جنبش را به پیروزی برساند. در جریان این مبارزه است که طبقه کارگر با ایثار و خدمت بی دریغ به منافع خلق و در جریان عمل، نقش رهبری را بدست می‌آورد و متحدان خود را متقاعد می‌سازد که رهبری طبقه کارگر ضامن مطمئن برای پیروزی او و نیز پیروزی متحدانش است.

در شرایط تاریخی معاصر گذار انقلاب ملی-دمکراتیک به سنگبندی سوسیالیستی دارای اهمیت سترگ تاریخی-جهانی است. انتخاب سنگبندی سوسیالیستی از آن نظر ضرور است که جامعه ما هنوز دارای شرایط لازم و ضرور عینی و ذهنی برای پیروزی مستقیم انقلاب سوسیالیستی نیست.

دمکراتیک شرکت چرید، اما باید دو جنبه توان انقلابی و توان ضدامپریالیستی بورژوازی ملی را از هم تمیز داد. بورژوازی ملی در مسئله تحول بنیادی به سود محرومان جامعه فاقد توان انقلابی است. ولی این امر نباید گرایش ضدامپریالیستی بورژوازی ملی را که در ارتباط با منافع طبقاتی آن است، نفی کند.

قشر بالایی کارمندان که در خدمت رژیم "ولایت فقیه" قرار دارند، "نسل" جدید تشکیل دهنده بورژوازی بوروکراتیک هستند. بورژوازی بوروکراتیک به گروهی از کارمندان کشوری و لشکری در دستگاه دولتی گفته می‌شود که با سوء استفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می‌پردازند. خودداری رژیم از دگرگونی دستگاه اداری موجهات حفظ این پدیده را که در درون رژیم گذشته چنان گرفته بود، فراهم کرد. بعد از انقلاب تعداد قابل ملاحظه‌ای از روحانیون در پستهای وزارت، مدیرکلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه‌های شرع و غیره و نیز برخی از فرماندهان ارتش-سویسپاه و بسیج و ژاندارمری و پلیس در زمره عناصر تشکیل دهنده بورژوازی طفیلی بوروکراتیک درآمدند. بوروکراسی، حیث و میل اموال دولتی، رشوه، ارتشاء، جایگزین کردن روابط به جای ضوابط و کماکان از صفات مشخصه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک به شمار می‌رود. در این روند قدرت سیاسی به ایجاد قدرت اقتصادی کمک می‌کند.

بورژوازی بوروکراتیک از لحاظ تاریخی در راستای تکامل سرمایه‌داری وابسته کام برمی‌دارد و برای حفظ مقام و منافع خود به مصالح ملی خیانت می‌کند. بورژوازی بوروکراتیک، ذخیره ارتجاع، ضدانقلاب و امپریالیسم در کشور ما است و با هر گونه تحول بنیادی و دمکراتیک در جامعه مخالفت می‌ورزد.

ضرورت تحولات بنیادی

نارضائی مردم از سیاست داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی سرعت تشدید می‌شود. محل این نارضائی، تضاد آشتی ناپذیر میان خواستهای مردم زیک سو و سیاست ضد خلقی رژیم استبداد قرون وسطایی از سوی دیگر است. این رژیم سد عمده رشد نیروهای مولد در کشور ما است.

جامعه ما به یک تحول بنیادی در همه عرصه‌های زندگی در جهت منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان نیازمند است. رژیم جمهوری اسلامی که پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بنیاد نهاده شد، اکنون به ضدانقلاب عنان گسیخته تبدیل شده و سد اساسی در راه تحولات بنیادی جامعه ایران است.

حزب توده ایران بر آن است که در حال حاضر، مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین وظیفه، مبارزه برای سرنگونی رژیم استبداد قرون وسطائی حاکم و استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک در کشور است.

شکل و شیوه مبارزه امری است که بستگی به شرایط مشخصی دارد و متناسب با شرایط می‌توان اشکال و شیوه‌های گوناگون را بکار بست. با هم در آمیختن حزب توده ایران از هیچ یک از اشکال مبارزه انقلابی رویگردان نیست و بر آن است که هر شکلی از مبارزه انقلابی که بتواند در شرایط مشخص مورد پشتیبانی توده‌ها قرار گیرد و راه پیروزی خلق را باز کند، باید بکار گرفته شود.

حزب توده ایران معتقد است، از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حاکم، حیات خویش را با سرکوب هر نوع مخالفتی در کشور پیوند زده است و ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق در جامعه می‌داند، شیوه اصلی و عمده برای سرنگونی رژیم موجود و استقرار حکومت ملی و دمکراتیک در کشور، مبارزه قهرآمیز مسلحانه توده‌ای است. مسلم است که اعلام مبارزه قهرآمیز مسلحانه به عنوان شیوه اصلی و عمده برای سرنگون کردن رژیم به معنای کم بهادان به دیگر اشکال و شیوه‌های مبارزه نظیر تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات نیست.

حزب توده ایران، نیرو و توان خویش را در جهت معتقد ساختن طبقه

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

برنامه حکومت ملی و دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی

الف. تحول در سازمان حکومتی

- ۱- در شرایط کنونی حزب توده ایران در راه استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک مبارزه می کند.
- ۲- حزب توده ایران با هر نوع رژیم تئوکراتیک مخالف است. زیرا به اعتقاد ما قوانین اجتماعی باید متناسب با سطح تکامل عینی جامعه تدوین شوند و به اقتضای تغییر شرایط و بنا به ضرورت های خوین دگرگون گردند. از این رو، ما نمی توانیم قوانینی را بپذیریم که اهدی باشند و خارج از حیطه تأثیر زمان و مکان تدوین و اجرا گردند. حزب توده ایران خواهان جدائی کامل دین از سیاست است.
- ۳- حزب توده ایران به معتقدات مذهبی خلق ما و ادیان و مذاهب موجود احترام می گذارد و بی احترامی نسبت به باورهای مذهبی مردم و اعمال تضحیقات علیه پیروان مذاهب مختلف را محکوم می کند.
- ۴- حزب توده ایران بازگشت به شکل کهنه و منسوخ سلطنت را در هر شکل طرد می کند.
- ۵- جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به جبهه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک و ضدامپریالیستی جامعه تکیه می کند و بر اساس اتحاد داوطلبانه کلیه خلق های ایران و هر مبنای احترام متقابل و حقوق برابر تشکیل می گردد.
- ۶- جمهوری ملی و دموکراتیک ایران، استقلال قضائی را بر اساس اصول دموکراتیک و انتخابی بودن قضات تأمین خواهد کرد.
- ۷- کلیه ارگانهای جمهوری ملی و دموکراتیک ایران از بالاتر تا پائین از طرف مردم انتخاب خواهند شد و در برابر مردم پاسخگو خواهند بود.
- ۸- ارگانهای حاکمه محلی عبارتند از شوراهای استان، شهرستان، شهر، بخش و روستا که برای شرکت توده های وسیع مردم در اداره امور کشور انتخاب می شوند. در مناطق ملی، این شوراهادر چارچوب حکومت خودمختار ملی تشکیل می شود.

- ۹- میهن ما باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و انتظامی باشد. نیروهای مسلح جمهوری باید مجری اراده خلق باشند. بدین منظور باید در سازمان نیروهای مسلح اعم از دفاعی و انتظامی تجدید نظر بنیادی بعمل آید. باید افسران، درجه داران و افراد نیروهای مسلح ایران مانند دیگر شهروندان از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.

ب. حقوق و آزادی های سیاسی

فردی و اجتماعی

- ۱- تأمین خدشه ناپذیر آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سازمان های صنفی، محل سکونت، مسافرت، انتخاب شغل، حق اعتصاب، آزادی دفاع در محاکم و مصونیت های فردی.
- ۲- شناسائی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمانهای صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس واحد کار، رشته کار، منطقه کار و در مقیاس سراسری.
- ۳- تضمین حق مشارکت واقعی سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان در اداره امور مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش های تولیدی، اداری و خدمات.
- ۴- شناسائی و تضمین حق پیوستن سازمان های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان به اتحادیه ها، فدراسیون های منطقه ای، قاره ای، جهانی و تضمین حق مرادده، مکاتبه، اعلام همبستگی و مهادله اطلاعات سندیکائی.

د. سیاست خارجی

- ۱- ایران کشوری است کثیرالمله و در آن ملتها و قوم های گوناگونی زندگی می کنند که دارای سرزمین، زبان و آداب، آیین ها و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر آن، اقلیت های ملی دیگری مانند ارمنه، آشوری ها، کلیمیان و غیره وجود دارند که در سراسر کشور پراکنده اند. رشته های مختلفی واحد های ملی ساکن ایران را به هم پیوند می دهد. آنها طی سده های متعددی با یکدیگر سرنوشت مشترکی داشته اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی ایران باهم همکاری کرده اند و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش، ایران، در ادوار مختلف تاریخ متحداً و دوشادوش یکدیگر دست به فداکاری های پیشماری زده اند.
 - ۲- حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه ملت ها و قوم ها و اقلیت های ملی ساکن سرزمین ایران و اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد پر پایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. حکومت ملی و دموکراتیک برای حل مساله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد:
 - تأمین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش؛
 - شناسائی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.
- سیاست خارجی دولت ملی و دموکراتیک باید مستقل و فعال و در انطباق کامل با نیازهای استقلال و امنیت کشور و نیز در راستای ایجاد شرایط ضرور برای شکوفائی اقتصاد ملی باشد. بر این بنیان، سیاست خارجی کشور باید بر اصول زیرین استوار گردد:
- دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور؛
 - پایان دادن به غارت انحصارات و دولت های امپریالیستی در ایران؛
 - استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق با همه کشورهای جهان که

پخش و تکثیر "نامه مردم" در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

- استقلال میهن ما را به رسمیت می‌شناسند و آماده هستند تا از تلاش خلق‌های ما در راه تحکیم استقلال پشتیبانی بعمل آورند؛
- عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز با همه کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد پیمان امنیت جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا برای آزاد ساختن منطقه از سلاح‌های هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی خارجی؛
- شرکت فعال ایران در جنبش غیر متعهدها و عدم شرکت در هرگونه پیمان تجاوزکارانه امپریالیستی، اعم از نظامی و یا شبه نظامی؛
- دفاع فعال از صلح جهانی به مثابه یک وظیفه انقلابی؛
- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از جنبش‌های انقلابی، آزادیبخش و ضد امپریالیستی در سراسر جهان، درهم شکستن سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و نزدیک و همبستگی با زحمتکشان کلیه کشورها.
- ## ه. رشد اقتصادی

- ۱- نظام اقتصادی در مرحله کنونی رشد مشخص تاریخی جامعه ما برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و از طریق رشد بدون وقفه بخش‌های دولتی و تعاونی در همه زمینه‌های تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات عمده مصرفی استوار خواهد بود.
- ۲- دمکراتیزه کردن بخش دولتی و توسعه و تحکیم هرچه بیشتر آن در اقتصاد ملی به منظور تجدیدنظر در مالکیت وسایل تولید و ایجاد تحول بنیادی در تقسیم محصول ملی و درآمد ملی به نفع توده‌های محروم، استفاده از اهرم‌های مناسبات کالائی و پولی متمرکز در دست دولت برای بالا بردن میزان سودآوری و ثمربخشی اقتصاد، افزایش انباشت داخلی، تامین رشد موزون و مداوم اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی توده‌های زحمتکش.
- ۳- در دوران ما، با رشد نیروهای مولده، تکامل مناسبات تولیدی و گسترده‌گی مناسبات بین المللی اقتصاد ملی به صورت مجموعه‌ای پس‌پس‌پس درآمده است. در چنین شرایطی هماهنگ کردن عناصر تشکیل دهنده و موثر در این مجموعه اهمیت خاصی پیدا می‌کند. برای رسیدن به این هدف، برنامه‌ریزی دقیق علمی و حساب شده و منطبق با امکانات کشور ضرورت جدی دارد. در جهان امروز تجارب گرانها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه‌های اقتصادی برپایه شناخت علمی و با در نظر گرفتن تناسب میان آماج‌های مشخص رانده شده است که باید از آنها برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره‌رست.
- ۴- هدف رشد اقتصادی ایران عبارت خواهد بود از ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصاد ملی به معنی درهم شکستن ترکیب کنونی اقتصاد واپس مانده و وابسته و ایجاد اقتصادی با ساختار موزون و پیشرفته متکی بر استفاده معقول از منابع طبیعی داخلی، توجه به اولویت‌های صنعتی برای تامین استقلال اقتصادی، از طریق احداث و توسعه آن رشته‌های تولیدی که ستون ترقی و خودکفائی مجموعه اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند.
- ۵- حل مسئله ارضی که در اساس عبارت است از حل مناسبات مالکیت پرزمین و مناسبات طبقاتی، در روستاها ضرورت حاد دارد. دولت ملی و دمکراتیک باید شعار "زمین از آن کسی است که روی آن می‌کارد" را از حرف به عمل درآورد و اصلاحات ارضی و آبی بنیادی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را در راس برنامه خود قرار دهد. محتوی عمده این اصلاحات عبارت است از:
- مصادره ارضی بزرگ مالکان؛
- تقسیم زمین‌های زیرکشت بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین با شرکت شوراهای دهقانی و تشکل آنها در شرکت‌های تعاونی تولید؛
- ملی کردن منابع آب؛
- ایجاد واحدهای بزرگ و مدرن کشت و دامپروری بوسیله شرکت‌های
- تعاونی تولید،
- خرید مازاد تولیدات کشاورزی به وسیله دولت و ریشه‌کن ساختن غارتگری سلف خرما و واسطه‌ها و غیره،
- تقویت بخش دولتی اقتصاد کشاورزی در زمینه‌های کشت و صنعت و موسسات بزرگ دامداری
- ۶- بازرگانی خارجی
- ملی کردن بازرگانی خارجی و خرید کالاهای تولید شده در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک از طرف دولت و تعاونی‌ها. آنچه در این عرصه مهم و حیاتی باید در نظر گرفته شود عبارت خواهد بود از:
- تشکیل موسسات ویژه دولتی برای واردات و صادرات برنامه‌ریزی شده؛
- حذف کلیه واسطه‌ها چه در بخش تدارکات و چه در بخش توزیع؛
- کمک به فروشندگان جزء و تعاونی‌های توزیع؛
- ایجاد فروشگاه‌های بزرگ دولتی به منظور تثبیت قیمت‌ها و جلوگیری از احتکار و گرانفروشی.
- ## و. اصلاحات اجتماعی
- ۱- تنظیم و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف دولت ملی و دمکراتیک است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد. تامین این هدف از طرق زیر امکان پذیر است:
- ایجاد تناسب معقول و علمی میان بخش ضروری انباشت اجتماعی و بخش مناسب برای مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر به دورشته مصرف عمومی و مصرف خصوصی؛
- تدوین قانون جدید مالیات به عنوان وسیله‌ای برای تنظیم تقسیم عادلانه درآمد ملی و جلوگیری از ثروت اندوزی.
- ۲- تامین کار و وسیله کار برای همه افراد جامعه. در این زمینه دولت ملی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد:
- تامین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار، اعم از زن و مرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری؛
- تامین و تضمین حداقل دستمزد و حقوق قانونی برای زحمتکشان متناسب با نیازهای مادی و معنوی خانواده‌های آنها و ترمیم سالانه آن با توجه به نوسانات هزینه زندگی؛
- پرداخت دستمزد و حقوق متناسب با کمیت و کیفیت کار به کارگران ماهر، با در نظر گرفتن پایه متغیر حقوق برای جلوگیری از تاثیر نامطلوب نوسانات اقتصادی بر زندگی آنها؛
- پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان عائله‌مند نسبت به تعداد افراد خانواده؛
- بالا بردن مستمر تخصص کارگران همگام با رشد امکانات فنی و آموزش کار؛
- تنظیم و تدوین قانون کار و تامین اجتماعی بر بنیاد دمکراتیک با مشارکت مستقیم نمایندگان سازمان‌های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا؛
- کاهش ساعات کار در هفته به تناسب پیشرفت و گسترش اقتصاد کشور و ویژه کاستن فوری ساعات کار برای مشاغل دشوار و زیان بخش برای تندرستی؛
- شناسائی حق استراحت برای زحمتکشان و فراهم کردن امکانات عمومی نظیر آسایشگاه‌ها و غیره برای آنان؛
- پرداخت مزد یکسان به زنان در مقابل کار مساوی با مردان، ایجاد شبکه وسیع و فراگیر شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها برای کمک به زنان زحمتکش و ایجاد امکان تربیت اجتماعی نوباوگان در سال‌های پیش از مدرسه؛

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکاری گیر،
متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

ز. فرهنگ اجتماعی

۱- شکوفائی فرهنگ غنی و مردمی و ملی در کلیه ابعاد آن. زدودن کلیه مظاهر ارتجاعی و قرون وسطائی از جامعه و جو فرهنگی میهن، به مثابه یکی از دردناکترین پیامدهای تسلط نظام " ولایت فقیه " در عین حال زدودن تأثیرات سو، فرهنگ نواستعماری که از جانب امپریالیسم به کشور ما تحمیل شده است.

۲- احیاء شخصیت و هویت مشخص - تاریخی فرهنگ ملی خلق های ساکن ایران در زمینه ها، یعنی ادبیات، رشته های گوناگون هنری، سنن و آداب و رسوم خلق ها و الغای کلیه قوانین رژیم جمهوری اسلامی که مانع پیشرفت موسیقی، سینما، نقاشی، تاتر و مجموعه هنرهای اصیل ملی و ترویج آنهاست.

ح. شکوفایی علم و فن

۱- رشد همه جانبه علم و فن و استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی برای تأمین خودکفائی از طریق ایجاد، تعمیم و گسترش تکنیک و تکنولوژی بومی و پایان دادن تدریجی به سیاست واردات تکنولوژی.

۲- شکوفائی تخصص و کاردانی، تربیت کادرهای متفکر و مهتر در زمینه های علمی و فنی، طراحان و مخترعان و مهندسان خلاق.

۳- تشکیل فرهنگستان علوم.

ط. ورزش

۱- گسترش هرچه بیشتر ورزش، به مثابه یکی از مهمترین وسائل تأمین تندرستی و بهداشت و شادابی عمومی، تربیت روحیات انسان دوستانه و سلامت اخلاقی، جلب توجه ها به تفریحات سالم، به مثابه وسیله ای برای زدودن خستگی ناشی از کار روزانه.

۲- الغای مقررات و قوانین ارتجاعی که رژیم جمهوری اسلامی در زمینه ورزش وضع کرده و تبدیل ورزش در جامعه به صورت یک اشتغال عمومی برای زنان و مردان و تأمین وسایل و امکانات کافی برای این اشتغال.

ی. جوانان

توجه به ایجاد امکانات برای رشد همه جانبه کودکان و جوانان به منظور تأمین شرایط لازم برای تربیت و آماده کردن آنها برای انجام وظایف تاریخی خود در آینده. هدین منظور علاوه بر آموزش در مدارس و از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون، ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمان های پژوهشی، هنری، علمی و فنی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان ضرور است.

حزب توده ایران برنامه خود را که بازتاب آرمان های مردمی، ملی و دمکراتیک توده های وسیع خلق در مرحله کنونی مشخص - تاریخی است، عرضه می دارد.

حزب توده ایران همه اعضا و هواداران حزب، همه اقشار زحمتکش و مترقی جامعه و در درجه اول طبقه کارگر و متحدانش، دهقانان تهیدست، پیشه وران، روشنفکران ترقی خواه و میهن دوست و همه خلق های ایران را فرا می خواند که برای عملی شدن این برنامه که یگانه راه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و نیز راهگشای حرکت به سوی جامعه نوین عاری از استثمار فرد از فرد است، تلاش ورزند.

- معافیت زنان از انجام کارهای سنگین و نامناسب با وضع جسمی آنان؛
- حق اشتغال به کار سبک به هنگام بارداری و حق برخورداری از مرخصی با حقوق به علت بیماری فرزندان در سن کودکی؛

- تأمین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان با دریافت حقوق و حفظ شغل برای زنان زحمتکش؛

- حق استفاده از مرخصی بدون حقوق تا یکسال پس از زایمان با حفظ محل خدمت؛

- حق برخورداری زنان از آموزش حرفه ای و دسترسی به مدارج علمی و ارتقای شغلی برابر با مردان؛

- بررسی شناختن قراردادهای دسته جمعی برای کارگران واحدهای صنعتی و کشاورزی و خدماتی؛

- تأمین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان زن و مرد؛
- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع براساس آزمون، سوابق خدمت و کیفیت کار، تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیان دمکراتیک.

۲- کمک همه جانبه دولت به شرکت های تعاونی روستائی برای بهبود وضع دهقانان از طریق پرداخت وام های دراز مدت و تأمین ماشین های کشاورزی، بذر، کود و سموم کشاورزی، بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کشاورزی و شمول قانون کار و بیمه های اجتماعی در مورد آنان.

تعیین عادلانه خرید تولیدات کشاورزی و بیمه کردن این تولیدات. تأسیس مدارس حرفه ای و تربیت کادر متخصص برای کشاورزی و تأمین بهداشت و ارتقاء فرهنگ ساکنین روستاها. توجه ویژه به مسائل دآمداری و از جمله دآمداری سنتی (عشایری) و دآمداری تک خانواری دهقانی. بررسی و شناخت دقیق مسائل ویژه عشایر و پیداکردن راه حل مشخص برای این مسائل با در نظر گرفتن تمام جوانب اقتصادی، فرهنگی، سنتی و سیاسی آنها.

۴- واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته های افزایش دنی و کمک به تشکیل تعاونی های تولید افزارمندان و تشویق کارهای دستی هنری و ملی.

۵- تأمین رایگان خدمات درمانی و بهداشتی و توزیع عادلانه آن در شهر و روستا. ایجاد شبکه وسیع تربیت کادر پزشکی و بهداشتی، تأسیس درمانگاه ها یا بیمارستان ها، زایشگاه ها و آسایشگاه های دوران نقاهت در سراسر کشور و برای استفاده همه مردم. ایجاد سیستم فراگیر آزمایشگاهها و درمانگاههای

سیار و نیز موسسات و بیمارستان ها و بیمارانی لاعلاج. استقرار نظام بیمه درمانی، سوانح، نقض عضو و از کار افتادگی، فوت و بیمه بیکاری برای کلیه زحمتکشان و تأمین

حق بیمه کارگران و زحمتکشان به حساب کارفرمایان و دولت.

۶- تمرکز احداث مسکن به مثابه یکی از مهمترین بخش های اقتصادی مربوط به زندگی مردم، بطور عمده در بخش های دولتی و تعاونی بر پایه برنامه ریزی درازمدت. تأمین مسکن مناسب برای زحمتکشان با قیمت ارزان. کمک به خانه سازی انفرادی خانواده های بدون مسکن از راه دادن وام های دولتی مسکن.

۷- تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تأمین وسائل آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان در شهر و روستا تا پایان دوره متوسطه و فراهم ساختن وسائل تحصیلات عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه ای، بسط شبکه دبستان ها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاه ها و مدارس عالی پیوسته رشته های فنی و پزشکی و رسیدن به خودکفائی در زمینه متخصصین فنی و پزشکی، تجدید نظر در برنامه های آموزشی به قصد زدودن اثرات مخرب و ارتجاعی عملکرد سران رژیم جمهوری اسلامی از نظام آموزشی کشور، پرداخت کمک هزینه دولتی به دانشجویانی که فرزندان کارگران و کشاورزان و کارمندان کم درآمد هستند. عملی کردن امر آموزش به زبان مادری در مناطق غیر فارس، مهارزه قاطع علیه بیسوادی.

NAMEH MARDOM No.: 84	P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
9 January 1986	

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!